

26 words per day

Day 1

Word	Meaning
A bandon	ترک کردن، رها کردن
B aby	نوزاد، کودک
C abinet	کابینت، قفسه، اطاقک
D eal	مقدار، اندازه، معامله کردن
E arn	به دست آوردن
F ailure	ناتوانی، شکست، عدم موفقیت
G arage	گاراژ، در گاراژ گذاردن
H abit	عادت، عرف، زندگی کردن
I mpact	برخورد، ضربه زدن
J oke	لطیفه، شوخی کردن
K een	تیز کردن، تیز، زیرک
L ack	نداشتن، ناقص بودن، نبودن
M agic	جادو، جادوگری
N eck	گردن، گردنه
O ccur	رخ دادن، اتفاق افتادن
P ainful	دردناک، ناراحت کننده
Q uestion	پرسش، پرسیدن، تردید کردن
R adio	رادیو، با بی سیم مخابره کردن
S ad	غمگین، اندوهناک
T ear	اشک، گسیختن، دریدن
U nderwear	زیرپوش، زیرجامه
V alue	مقدار، ارزش، قدردانی کردن
W eapon	جنگ افزار، سلاح
X	
Y et	هنوز، تا کنون، باینحال
Z one	منطقه، ناحیه، محوطه، قلمرو